گپ و گفتی با شهرام محمودی پشت خط زن تیم ملی والیبال:

در والیبال حرف ترامادول هم نیامده چه برسد به خودش!

- از کیف بهنام آویزان می‌شدم تا مرا به سالن ببرد
- دیوانه پرسپولیسم، شانس آوردیم به لیگ یک نرفت!
- بعد از خداحافظی یک گلخانه می‌زنم
- عکس‌های عروسی‌ام را غریبه‌ها پخش کردند

عکس: امیرحمید بیدی/ شهروند

حسین جمشیدی
روزنامه‌نگار

از ماه آینده و یا پایان یافتن مسابقات فوتبال احتمالا بار دیگر تمام نگاه‌ها به تیم ملی والیبال خواهد بود که در لیگ جهانی ۲۰۱۵ استارت رقابت‌های خود را این بار در آمریکا خواهد زد. البته ملی پوشان والیبال ایران ۲۰ اردیبهشت تهران را به مقصد جمهوری چک ترک کردند تا بعد از برگزاری اردوی تدارکاتی در اروپا و بازی با تیم‌هایی مثل فنلاند راهی آمریکا شوند. به همین بهانه و قبل از سفر طولانی مدت بلندقامتان پایکی از آنها که در موفقیت‌های اخیر نیز نقش بسزایی داشت، ساعاتی به گپ و گفت نشستیم تا از حال و هوای این روزهای تیم ملی والیبال که امسال باید در ۳ رویداد مهم شرکت کند، با خبر شویم. پشت خط زن مورد علاقه کواچ که با پیراهن شماره یک، سال گذشته مقابل تیم‌های بزرگ دنیا به خوبی درخشید، از انگیزه بالای ملی پوشان برای تداوم درخشش خود در عرصه جهانی سخن می‌گوید و معتقد است این تلاش‌ها در نهایت به المپیکی شدن شاگردان کواچ می‌انجامد. شهرام محمودی که به‌شدت از فشردگی بازی‌ها و اردوهای تیم ملی خسته شده، تنها انگیزه خودش را برای بازی کردن در تیم ملی وظیفه‌ای می‌داند که نسبت به مردم علاقه‌مند به این رشته دارد. اگرچه او از خداحافظی احتمالی زودهنگامش در ۲، ۳ سال آینده خبر می‌دهد. در ادامه گفت‌وگوی مفصل «شهروند» با شهرام محمودی را می‌خوانید:

از حال و هوای این روزهای تیم ملی والیبال شروع کنیم...

خبر خاصی نیست و تمام بازیکنان با انگیزه به کارشان ادامه می‌دهند تا کاملا برای حضور در لیگ جهانی که امسال قطعا بسیار سخت‌تر خواهد بود، خود را آماده کنند.

چیزی در تیم ملی نسبت به سال گذشته تغییر کرده است؟

خیر، اتفاق خاصی رخ نداده. فقط مربی بدنسازی که سال گذشته به ما اضافه شد، امسال از ابتدا با ما بود و تمرینات سنگین‌تر از گذشته دنبال شد.

در آستانه لیگ جهانی هستیم. گفته می‌شود به دلیل در پیش بودن ۲ رقابت مهم‌تر امسال لیگ جهانی برای ایران به اندازه گذشته اهمیت ندارد!

لیگ جهانی تحت‌هر شرایطی یک تورنمنت معتبر است. می‌توانیم در این مسابقات خیلی هماهنگ‌تر شویم و این مسأله به ما کمک می‌کند. امسال هم شرایط کمی متفاوت است و از گروه A، که ۸ تیم در آن قرار دارند، یک تیم به دسته پایین‌تر سقوط خواهد کرد که این کار را برای ما خیلی سخت‌تر کرده و باید بیشتر تلاش کنیم. خیلی مهم است که خودمان را در سطح اول والیبال جهان نگه دارِیم.

والیبال ایران همچنان یک آرزوی دیرینه دارد که آن کسب سهمیه المپیک است. به این مهم دست پیدا می‌کنید؟

متاسفانه با سهمیه‌ای که فدراسیون تلاش کرد به‌عنوان قهرمان آسیا به ایران برسد، موافقت نشد. ما اگر امسال به سهمیه المپیک فکر می‌کنیم باید به فینال جام‌جهانی برسیم که فکر می‌کنم خیلی کار سختی باشد. رقابت اصلی‌مان برای کسب سهمیه سال آینده در ژاپن است که می‌توانیم بعد از رقابت با کشورهای دیگر برای اولین بار به المپیک برسیم.

نکته مهم دیگر بحث حضور بانوان و خانواده‌ها در سالن‌های والیبال است که چند سالی است برای ایران به یک معضل تبدیل شده. ارزیابی‌تان از این موضوع چیست؟

حضور بانوان و خانواده‌ها صد درصد تاثیرگذار است. بگذارید ماجرایی را برایتان تعریف کنم. ما بعد از عید نوروز تمرینات خود را آغاز کردیم و تا آخر مهرماه در گیر مسابقات هستیم. در اردیبهشت و خرداد‌ماه حدود ۴۰ روز در ایران نیستیم و وقتی هم که برگردیم باید به هتل برویم. ابتدا لیگ جهانی است، بعد مسابقات قهرمانی آسیا و در ادامه هم جام جهانی. واقعا در ۷ ماه اول‌سال فرصتی برای دیدن خانواده‌هایمان نداریم. حالا این که شرایط فراهم می‌شود و خانواده‌ها به ورزشگاه می‌آیند تا شوهرهایشان یا فرزندان خود را ببینند، اتفاق مثبتی است. همین که ما می‌دانیم، خانواده‌هایمان کنارمان هستند، برایمان قوت قلب است و امیدوارم این اتفاق رخ دهد.

با این که در دوران ولاسکو هم عضو تیم ملی بودی اما سال گذشته با حضور کواچ خیلی بیشتر دیده شدی و شاید محبوبیت نزد مردم نیز چند برابر شد. درست است؟

زمانی که ولاسکو سرمربی تیم ملی بود در تمام مسابقات انتخابی لیگ جهانی بازی کردم. در خیلی از بازی‌ها نیز به‌عنوان امتیازآورترین بازیکن انتخاب شدم. به‌هرحال این سلیقه هر مربی است که کدام بازیکن را در کدام بازی به زمین بفرستد. در ضمن جو تیم‌ملی والیبال طوری است که برای هیچ‌کدام از بازیکنان فرقی نمی‌کند در زمین باشند یا روی نیمکت. همه دوست دارند تیم برنده شود. خودم هر زمان که از بازی بیرون می‌آیم، می‌ایستم کنار زمین و بقیه‌بازیکنان را تشویق می‌کنم.

شاید آمادگی امیر غفور بدشانسی بزرگی برایت باشد.

از دوره ولاسکو که غفور بیشتر از من بازی می‌کرد، هیچ مشکلی با هم نداشتیم. چه امیر بازی کند و چه من هدفمان موفقیت تیم است. شاید خیلی اوقات از بازی نکردنم ناراحت می‌شدم اما به هیچ‌وجه این ناراحتی را به تیم منتقل نمی‌کردم چون این حق را نداشتم. هر کسی پیراهن تیم‌ملی را می‌پوشد، افتخار بزرگی نصیبش شده است. تیم‌ملی برای مردم است و هیچ‌وقت به این فکر نکردم که برای تیم‌ملی اخم کنم. البته آن زمان هم که بازی نمی‌کردم، ۹۰ درصد بازی‌ها به زمین می‌آمدم. حالا شاید کواچ بیشتر به من اعتقاد دارد و بیشتر هم به من بازی می‌دهد. البته تصور دوست داشت امانمی‌دانم چرا بازی‌ام نمی‌داد.

سوال بزرگی که در سال‌های اخیر در ذهن والیبال‌دوستان نقش بسته، درباره لژیونر نشدن ملی‌پوشان کشورمان است. چرا بازیکنان ایرانی با وجود درخشش در عرصه جهانی به لیگ‌های معتبر اروپایی نمی‌روند؟

پیشنهاد وجود دارد اما واقعا تا به حال پیشنهادی نبوده که بخواهد ما را متقاعد کند که لژیونر شویم. ما در ۷ ماه ابتدایی سال به‌خاطر حضور در تیم‌ملی از خانواده دور هستیم؛ اگر قرار باشد که بقیه‌سال را هم به یک کشور خارجی برویم و دور از خانواده باشیم، خیلی سخت می‌شود. واقعاگر پیشنهاد خوبی نباشد، شخصا ترجیح می‌دهم که خارج از ایران نروم. مگر من چندسال دیگر می‌خواهم والیبال بازی کنم؟! اگر پیشنهاد خوب مالی برسد و مثل پیشنهادی باشد که به‌معروف شد، من هم شاید لژیونر شوم.

گردنبندی انداختی که نقشه ایران را نشان می‌دهد. البته خیلی دیگر از بازیکنان تیم‌ملی نیز چنین گردنبندی دارند. این موضوع دلیل خاصی دارد؟

همه ما کشورمان را دوست داریم و به همین خاطر این گردنبندها را می‌اندازیم. شخصا گردنبندهای دیگری دارم که شاید خیلی هم در ظاهر از این قشنگ‌تر باشد اما دوست داشتم که این گردنبند با نقشه ایران را بیندازم. قطعا این کار اصلا برای خودنمایی نیست. حتی شاید خیلی‌ها با همین گردنبند من هم مخالف هستند. در والیبال هنوز این مسائل نیامده که بگوییم فلان کار را کنیم تا بیشتر دیده شویم. نه‌تنها من، بلکه هیچ‌کدام از بچه‌ها به دنبال خودنمایی نیستند و همانی که واقعا هستند را نشان می‌دهند.

قراردادهایتان در لیگ میلیاردی شده؟

هنوز قراردادهای ما به میلیارد نرسیده است. تقصیر این خبرنگاران است که نمی‌گذارند ما زیاد قرارداد ببندیم(باخنده)! ما مالیات داریم، باید به استان‌ها هم پول بدهیم. البته قرارداد سعید معروف امسال با شهرداری ارومیه میلیاردی بود. چون واقعا بدون پاسور دنیا است. پاسورهای پایین‌تر از او که در تمام دنیا ۳، ۴ میلیارد می‌گیرند. اگر در فوتبال یک بازیکن خارجی ۱۰۰ میلیارد می‌گیرد و بازیکن ایرانی ۵ میلیارد دریافت می‌کند، تفاوتشان هم زیاد است اما در والیبال که این تفاوت سطح کم است ولی ما هنوز به سطح خارجی‌ها نرسیده‌ایم.

برادرت، بهنام چقدر در والیبالیست شدنت نقش داشت؟

راستش را بخواهید ابتدا من فوتبالیست و دروازه‌بان بودم. با تیم نوجوانان پیکان هم قرارداد داشتم. حتی مربی فوتبال نوجوانان پیکان به من گفت که می‌توانی به مدارج بالاتر هم برسی اما نمی‌دانم چه شد که از والیبال سر در آوردم! واقعیت این است که بهنام نقش زیادی در والیبالیست شدن من نداشت! اتفاقا بچه که بودم از کیفش آویزان می‌شدم که مرا به سالن والیبال ببرد اما نمی‌برد. بهنام می‌گفت برو درست را بخون! ما هم که درس نمی‌خواندیم!

حالا با توجه به قراردادهای میلیاردی فوتبالیست‌ها و توجه بیشتری که به این رشته می‌شود، حسرت نمی‌خوری که چرا فوتبال را ادامه ندادی؟

هیچ وقت حسرت نخوردم که فوتبالیست نشدم چون همیشه به چیزی که دارم قانع هستم. خدا را شکر که به والیبال آمدم و توانستم این جا حداقل در سطح ملی متمرثمر باشم. شاید در فوتبال هرگز به این سطح نمی‌رسیدم.

قطعا بازی‌های بهنام محمودی را هم در ذهن داری. خودت بهتر هستی یا برادرت؟

(می‌خندد)از آن سوالات معروف خبرنگاران پرسیدید! سوال سختی است. نمی‌توانم بگویم من بهتر هستم یا بهنام چون سبک بازی من و بهنام فرق می‌کند. من خیلی سرعتی‌تر هستم و بهنام خیلی قدرت بیشتری داشت. در ضمن والیبال آن زمان را نمی‌توان با والیبال حالا مقایسه کرد چون سبک والیبال عوض شده است. ما الان در لیگ خودمان واقعا سخت بازی می‌کنیم. نمی‌توانیم ۵۰ درصد توانمان را بگذاریم و ببریم اما آن زمان اینطور نبود و تمام بازیکنان خوب در ۲ تیم جمع می‌شدند و به فینال می‌رفتند. البته هنوز هم با بهنام بر سر والیبال کری داریم.

کری فوتبالی هم می‌خوانید؟

نه، سر فوتبال کری نداریم چون او خیلی فوتبالی نیست من خودم خیلی فوتبالی هستم و پرسپولیسی هستم که البته این روزها با بازی‌هایی که در لیگ کرده، آبرویمان را برده است. داشتند به دسته یک می‌رفتند که خدا را شکر اینطور نشد! (می‌خندد)

به‌عنوان یک پرسپولیسی حاضری اگر روزی استقلال تیم والیبال تشکیل داد، برای این تیم بازی کنی؟

الان نمی‌توانم چیزی بگویم و باید آن موقع تصمیم گرفت. البته با وضع فعلی به هیچ‌وجه حاضر نیستم چنین کاری کنم چون قراربالیست‌هایی که الان در استقلال و پرسپولیس بازی می‌کنند، عذاب می‌کشند. متاسفانه این دوباشگاه اصلا در و پیکر ندارند.

کواچ قبلا در اظهارنظری گفته بود که والیبال ورزش اول ایران است اما همچنان می‌بینیم که مردم با وجود نتایج ضعیف‌تر فوتبال به این رشته بیشتر توجه می‌کنند. به نظرت دلیل این موضوع چیست؟

من اصلا قبول ندارم که والیبال ورزش اول ایران است، بلکه مردم خود والیبالیست‌ها را دوست دارند. البته ما کار خاصی نکردیم و تنها کارمان این بوده که کم‌کم کردیم. فوتبال در دل مردم است؛ دیگر ایپیدمی شده که از دوران کودکی باید در کوچه بروی و فوتبال را بازی کنی. البته به تازگی یکسری هستند که والیبال را در کوچه بازی می‌کنند اما قبلا اینطور نبود. اگر والیبال این روند را ادامه دهد، شاید این ۲ رشته در دل مردم جابه‌جا شوند اما به نظرم سخت است. من خودم عاشق فوتبال هستم و وقتی پرسپولیس بازی دارد، به هر شکلی شده باید ببینم. هر کاری هم کنیم، فوتبال در دلمان است. الان پرسپولیس ته جدول لیگ است اما وقتی یک بازی را می‌برد، کلی ذوق می‌کنم. اگر نسل بچرخد و بچه‌ها با والیبال خو بگیرند، شاید شرایط تغییر کند.

اخیرا مسائلی در میان فوتبالیست‌ها مبنی بر استفاده از ترامادول و سایر مواد مخدر به وجود آمده است. آیا در والیبال هم از این دست ورزشکاران داریم؟

(شوکه می‌شود، چند لحظه سکوت می‌کند و سپس پاسخ می‌دهد) واقعا اینطور است؟ نمی‌دانم چه بگویم! شاید بشود قبول کرد یک ورزشکار قلیان و سیگار بکشد اما این کمی گوییدمواد مخدر نمی‌دانم چه بگویم! به نظرم نمی‌شود همزمان با ورزش مصرف کرد. در والیبال اصلا صحبت این مسأله هم نیامده است، چه برسد به خودش.

تا به حال فکر کرده‌ای که بعد از کنار گذاشتن والیبال به چه کاری می‌پردازی؟

با سید، سعید و مهدی از این صحبت‌ها زیاد می‌کنیم. من نقشه کشیدم که وقتی والیبال هم تمام شد یک باغچه بگیرم و گلخانه درست کنم. خیلی به گل و گیاه علاقه‌دارم و الان هم باغچه‌دارم اما خیلی کوچک است. باغ درست می‌کنم و یک زمین والیبال ساحلی هم در آن ایجاد می‌کنم و خودم را سرگرم می‌کنم. ورزش حرفه‌ای واقعا سخت است و کل زندگی‌ات تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. همین حالا اگر خیلی از بازیکنان تیم‌ملی والیبال وظیفه خود نمی‌دانستند که در تیم‌ملی باشند، نمی‌ماندند چون نه دیگر روی قیمتشان تأثیر دارد و نه روی رشد والیبالشان. فرزند من چند ماه دیگر به دنیا می‌آید و نمی‌دانم ایران هستم یا نه. برنامه زندگی‌ام به هم ریخته است و واقعا شرایط سختی است.

پس نمی‌خواهی بعد از خداحافظی‌ات، مربیگری را شروع کنی؟

اصلا به این فکر نمی‌کنم که بخواهم مربی شوم و خودم را درگیر مسائل مربیگری کنم. مگر این که واقعا نیاز مالی داشته باشم و دیگر مجبور شوم. دیگر دوست ندارم دوباره در این جو استرس‌زا، تنش‌زا و خستگی‌زا بیایم.

حالا از این بازیکنانی هستی که زود به فکر خداحافظی می‌افتند؟

الان ۲۷ سالم است و احتمالش است که خیلی زود خداحافظی کنم چون صدومیست شدیدی در بدنم دارم و تا یک جایی می‌توانم خودم را بکشانم. شاید نهایتا تا ۴، ۳ سال دیگر بتوانم بازی کنم. دردی در کمرم دارم که خیلی خطرناک است. باید عمل می‌کردم که نکردم. اگر هم عمل می‌کردم ادامه کارم ۵۰ - ۵۰ بود.

شماره پیراهن تو یک است. این به خاطر همان علاقه‌ای است که به دروازه‌بانی داشتی؟

شماره یک من به دروازه‌بانی هیچ ربطی ندارد. من اصلا شماره یک نمی‌پوشیدم و شماره من ۱۰ بود. از سال ۸۶ تیم جوانان بازی می‌کردم و از دو دعوت می‌شدم و گاهی اوقات خط می‌خوردم. سال ۹۰ من در تیم‌ملی نبودم و امیر غفور بود. شماره ۱۰ را امیر برداشت و من وقتی دوباره آمدم و اضافه شدم دیگر چیزی نگفتم. اگر می‌خواستم از او شماره ۱۰ را می‌گرفتم چون سن و تجربه‌ام بیشتر بود اما گفت به عشق بهنام محمودی این شماره را برداشته، من هم چیزی نگفتم.

خودت از حس وظیفه‌ای گفتی که والیبالیست‌ها دارند. چرا آرمین تشکری امسال تیم‌ملی را ترک کرد؟

آرمین مشکل داشت. مسائلی داشت که روی هم تلنبار شده بود و همین باعث شد او یکسری روحیات درد و خیلی لطیف است. البته همسرش هم با دردل است. یک مقدار هم حدس می‌زنم چون کواچ سرعتی زن زیاد دعوت کرده، آرمین آن حس جنگندگی را نداشت. این را بگویم که من دقیق دلیلش را نمی‌دانم. شاید آرمین هم از دست من ناراحت شود اما فکر می‌کنم حس جنگندگی نداشت.

اکثر بازیکنان تیم‌ملی والیبال ازدواج کرده‌اند و به نظر می‌رسد در کل والیبالیست‌ها به ازدواج زودهنگام علاقه دارند. دلیل این امر چیست؟

والیبالیست‌ها زود هم ازدواج نمی‌کنند. شاید پوریا فیاضی خیلی زود ازدواج کرد. البته اگر زن نگیرند، چه کنند؟! در تیم‌ملی فقط موسوی و سعید معروف مجرد هستند. آنها هم خودشان شاید از این مجردی خسته باشند اما می‌گویند اگر ازدواج کنیم با وضعیتی که داریم، زمان را چه کار کنیم؟! به سیدمی گویی جز ازن نمی‌گیری، می‌گوید که الان زن بگیرم، تنها برود در خانه چه کار کند؟! اگر او الان زن بگیرد، ۷ ماه در خانه تنهاست و درک کردن و کنار آمدن با آن سخت است. امثال من که از قبل ازدواج کردیم، شاید همسران‌مان خیلی راحت‌تر با این قضیه کنار آمدند.

برسیم به مراسم عروسی‌ات که چند ماه قبل با انتشار برخی عکس‌ها از سوی چند تن از همبازیانت جنجال‌هایی را به پا کرد...

باور کنید من یک عکس هم از عروسی در صفحات اجتماعی نگذاشتم. متاسفانه یکسری غریبه هم آمده بودند و از این مراسم عکس گرفتند. چند تا از بچه‌ها هم عکس‌هایی در شبکه‌های اجتماعی گذاشته بودند که خودشان اشتباه‌شان را فهمیدند و سریع برداشتند. من دیگر چه کار می‌توانم بکنم؟! واقعا تقصیر من نبود. به نظر من این شبکه‌های اجتماعی مشکلی ندارد و اصلا برای همین چیزهاست که ما خواراثرات در ارتباط باشی اما باید درک کنیم که قوانینی در کشور داریم.

حتی آن عکس‌ها باعث شد که قانون منع انتشار عکس‌های منشوری در اینستاگرام هم تصویب شود.

اصلا به نظرم نباید منع شود که ورزشکار صفحه اجتماعی داشته باشد. البته به من چیزی نگفتند که این کار ممنوع است. درست است که شخصی است و کسی نمی‌تواند دخالت کند اما به هر حال یک قانون شده است. مردم ایران هم خوراکشان این است که به یک صفحه حمله کنند. صفحه اینستاگرام‌مرا ببینید، خنده‌تان می‌گیرد. این همه می‌گویند عکس بگذار که وقتی من می‌گذارم، از هزار تا نوشته، ۲۰۰ نفر فحش می‌دهند. قبل از من در بازی ایران و آرژانتین مسی و آن داور صربستانی هم فحش خورده بودند.

تا به حال فکر کرده‌ای که مثل برخی از فوتبالیست‌ها بازیگری را هم تجربه کنی؟

اتفاقا یک پیشنهاد فیلم برای من، سید(موسوی) و سعید(معروف) آمد که به بندرعباس برویم اما با خودم گفتم من بروم جلوی دوربین چه بگویم؟ کارم این نیست و هیچ‌وقت این کار را نمی‌کنم. مگر بازیگر می‌تواند والیبال بازی کند؟

البته حامد حدادی این کار را تجربه کرد!

خب به حامد حدادی نقش قاتل می‌خورد و احتمالا همین نقش را بازی کرده است. (با خنده)

حرف آخر؟

در آخر می‌خواهم بگویم که دیگر این پاداش‌های ما را ندهند. ما که بی‌خیال شدیم و دیگر روی قول مسئولان حساب باز نمی‌کنیم

وقتی برخی فوتبالیست‌های تازه به دوران رسیده را می‌بینیم که با ماشین‌های آنچنانی و ظاهر عجیب در میان مردم ظاهر می‌شوند، شاید این تصور به وجود بیاید که این ماجرا در میان والیبالیست‌ها نیز به وجود آمده باشد!

اینطور نیست؛ عقیده‌ام بر این است که چرا باید با کت‌وشلوار و ادکلن زده به میان مردم برویم؟ ما هم از خود همین مردم هستیم و مگر از کجا آمده‌ایم؟ بچه‌های تیم‌ملی والیبال هیچ‌کدام از قشر مرفه نیستند اما آن قدر بر رو بودند که خواستند و چیزی که می‌خواستند را به‌دست آوردند. آنهایی که مرفه و پولدار هستند اصلا به دنبال این مسائل نیستند و تلاشی برای رسیدن به این جایگاه‌ها نمی‌کنند. بچه‌های والیبال نمی‌روند ساعت ۱۰۰ میلیونی دستشان کنند و بروند در تلویزیون آن را نشان دهند. نظام واقعا چیز بدی است. ما مثل خود مردم زندگی می‌کنیم و خودمان را جدا از مردم جدا نمی‌دانیم چون یادمان نمی‌رود که کجا بود یم و حالا به کجا رسیده‌ایم. اگر این را یادمان باشد، هیچ‌وقت از این مسائل پیش نمی‌آید.